



MLJ

مجله حقوق پزشکی

ویژه نامه نوآوری حقوقی، ۱۴۰۰

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



مقاله پژوهشی

چگونگی صیانت از نظام اسلامی از دیدگاه مذاهب خمسه

محمدرضا مهدلو ترکمانی^۱، حسن اسدی^{۲*}، اکبر احمدی^۳

۱. دانشجوی دکترای گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد ورامین - پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران.

۲. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد ورامین - پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران.

۳. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد ورامین - پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: تشکیل نظام سیاسی در اسلام یکی از راه‌های اساسی برای پیاده‌کردن احکام و دستورات دینی است. با این حال، حفظ و صیانت از نظام سیاسی نیز گام مهمی در این مسیر است که در نزد مذاهب خمسه اسلام از راه‌های مختلفی دنبال می‌شود. به دلیل جایگاه صیانت از نظام اسلامی، مقاله حاضر درصدد است تا چگونگی صیانت از نظام اسلامی را در نزد مذاهب پنج‌گانه مورد بحث قرار دهد.

مواد و روش‌ها: روش مورد استفاده در پژوهش حاضر تطبیقی، توصیفی و تحلیلی است و جمع‌آوری مطالب مقاله از روش کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده است.

یافته‌ها: در نظام سیاسی مد نظر فقه امامیه، اصول اساسی در صیانت از نظام از طریق قواعد فقهی، یعنی حرمت اخلاف در نظام، قاعده مصلحت، نفی جدایی دین از سیاست، رعایت مکارم اخلاقی، احکام حکومتی و همچنین مبنابودن عدالت دنبال می‌شود، اما در فقه چهارگانه اهل سنت، صیانت از نظام سیاسی بر محور زور و تغلب و اعطای اختیار به شخص حاکم برای اداره جامعه می‌چرخد.

ملاحظات اخلاقی: در نگارش مقاله حاضر، اصول اخلاقی از جمله امانتداری در استفاده از منابع، بهره‌گیری از منابع اصیل و علمی و همچنین دقت در استفاده از مطالب مستند رعایت شده است.

نتیجه‌گیری: صیانت از نظام سیاسی در فقه شیعه متکی بر رعایت عدالت، برقراری حاکمیت شرع، جهاد مشروع، واجب‌بودن حفظ نظام و همچنین مصلحت عموم مردم صورت می‌گیرد، اما فقه اهل سنت، گرایش‌های غیر مردم‌سالارانه را تقویت می‌کند و بیش از آنکه حقوق توده‌های مردمی، سعادت آنان و همچنین پیاده‌کردن احکام شرعی را مبنا قرار دهد، به دنبال قدرت‌بخشیدن به شخص حاکم و شکل‌دادن به روابط متصلب برای صیانت از نظام سیاسی است.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰

واژگان کلیدی:

صیانت

نظام سیاسی

اهل سنت

اهل تشیع

مذاهب خمسه

* نویسنده مسؤول:

حسن اسدی

آدرس پستی: ایران، ورامین، دانشگاه

آزاد اسلامی، واحد ورامین - پیشوا،

گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی.

کد پستی: ۳۳۸۱۷-۷۴۸۹۵

تلفن: ۲۱-۳۶۷۲۵۰۱۰

پست الکترونیک:

asadihasan171@gmail.com

۱. مقدمه

اصل حکومت در اسلام یک ضرورت عقلی و شرعی است. از سیره نبوی و علوی و همچنین رویکرد اهل سنت و علمای آن، در باب حکومت‌داری چنین برمی‌آید که حکومت در اسلام، علاوه بر اهداف مشترکی که در جوامع انسانی برای حکومت وجود دارد (مانند برقراری نظم و امنیت، تأمین نیازهای مادی و جسمی و آزادی‌های اجتماعی و سیاسی)، اهداف دیگری را نیز دنبال می‌کند که با توجه به اهمیت اهداف متعالی آن، حفظ و صیانت از نظام اسلامی یک اصل ضروری و قابل دفاع است، اما در هر جامعه و نظام سیاسی، هدف اصلی تنها در مرحله تأسیس و تشکیل حکومت به پایان نمی‌رسد، بلکه آنچه مهم است، فراهم کردن شرایطی برای صیانت از نظام اسلامی در راستای مشروعیت‌بخشی به خود، رعایت حقوق مردم جامعه و همچنین پیاده کردن اهداف و آرمان‌هایی است که از دیرباز مورد نظر هر مکتب فلسفی و سیاسی بوده است. با توجه به اعتقاد مذاهب اهل سنت و شیعه به تمام مراتب توحید، از جمله ربوبیت و ولایت تشریعی، طبق این دیدگاه توحیدی، حفظ نظام اسلامی از جمله اصول اساسی شمرده می‌شود و حفظ نظام اسلامی و جان و مال و ناموس مسلمانان از خطر تعرض دشمنان اسلام و بیگانگان یکی از مسائل مسلم و مورد اتفاق فقهای مذاهب خمسّه است. همچنین در صورت تراحم حکم وجوب حفظ نظام اسلامی با دیگر احکام اسلام، تقدیم اهم بر مهم است و بر همین اساس، رویکردهایی نسبت به صیانت و حفظ نظام پدید آمده است. با این حال، هر یک از مذاهب فقهی اهل سنت (چهارگانه اهل سنت) و شیعه (دوازده امامی) در اسلام، رویکردهای مختلفی نسبت به این مسأله دارند و از منظر گوناگونی نسبت به صیانت از نظام اسلامی اقدام می‌کنند.

با عنایت به اهمیت صیانت از نظام سیاسی در نزد مذاهب خمسّه، پژوهش حاضر به دنبال بررسی چگونگی صیانت از نظام سیاسی در نزد مذاهب چهارگانه اهل سنت و همچنین فقه شیعه دوازده امامی می‌پردازد. بدیهی است که در این رویکرد، هم دیدگاه فقهای اهل سنت و همچنین صاحب‌نظران شیعه مد نظر است. بنابراین رویکردی مبتنی بر آرای علما و

فقها است، بدین ترتیب پژوهش حاضر به دنبال طرح مباحث نظری در حیطه چگونگی صیانت از نظام اسلامی و دیدگاه‌های مختلف درباره این مسأله است. از این جهت، پژوهش حاضر، نوعی رویکرد تطبیقی در حیطه صیانت از نظام سیاسی در نزد اهل سنت و تشیع به شمار می‌رود.

۲. ملاحظات اخلاقی

پژوهش حاضر در تمامی مراحل نگارش مقاله، اصول و معیارهای اخلاقی از جمله اصل امانتداری، ارجاع‌دهی علمی و اخلاقی را مد نظر قرار داده است.

۳. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی نگاشته شده است که با گردآوری مطالب از طریق منابع اسنادی و کتابخانه‌ای و مخصوصاً مراجعه به متون فقهی، دیدگاه علما و فقها، نسبت به بررسی موضوع حاضر اقدام نموده است.

۴. یافته‌ها

فقه سیاسی مذاهب خمسّه در برخی موارد، از جمله ضرورت وجود نظام سیاسی، حفظ و صیانت از آن و همچنین پیاده کردن احکام و دستورات دینی مشترکات زیادی با یکدیگر دارند، اما مسیر آنان در جایی متفاوت می‌شود که هر یک از آنان، در اعطای اختیارات به نظام سیاسی، راه‌های حفظ و صیانت از آن و مخصوصاً اهداف نظام اسلامی با یکدیگر اختلاف دارند. مهم‌ترین تفاوت‌ها در این زمینه، تأکید فقه سیاسی شیعه دوازده امامی بر رشد و کمال معنوی و اخلاقی مردم، رعایت عدالت و همچنین مبنای قرارداد احکام شرعی برای رعایت حقوق آحاد جامعه است. بر همین اساس، قواعد مختلفی از جمله نفی و حرمت اخلاقی در نظام، اهم و مهم، قاعده حفظ نظام و همچنین مصلحت به کمک فقه سیاسی شیعه می‌آیند و تلاش می‌کنند تا مبنای نظری مستحکمی برای صیانت از نظام اسلامی فراهم آورند. در این نگرش، فقدان نظام سیاسی به منزله تعطیلی احکام اسلامی است، زیرا بدون وجود حکومت، شرایط لازم برای برقراری احکام و دستورات دینی

وجود نخواهد داشت. در مقابل، فقه سیاسی اهل سنت از ابتدا و به لحاظ تاریخی با مسأله قدرت سروکار داشته است و همواره رویکرد اقتدارگرایانه‌ای را در پیش گرفته بود. تأکید علما و فقهای اهل سنت بر حاکم و سلطان قدرت مدرن و اهل شوکت، بیش از هر چیز ناشی از ضرورت حفظ نظم و امنیت و جلوگیری از هرج و مرج و آشوب در جامعه اسلامی بوده است که تا امروزه نیز تداوم داشته است.

۵. بحث

۵-۱. پیشینه پژوهش

محمد حسین‌زاده در مقاله‌ای با عنوان «قاعده وجوب حفظ نظام و حرمت اخلاص در آن با تأکید بر نهضت امام خمینی (ره)» به این نتیجه می‌رسد که قواعدی نظیر حفظ نظام و در نظر گرفتن مصلحت و ملاحظات مردم جامعه اسلامی مبنایی پدید آورده است که بر اساس آن‌ها بتوان نسبت به حراست و نگهداری از نظام سیاسی اقدامات جدی انجام داد. بر مبنای تحقیق نویسنده، جلوگیری از فروپاشی نظام اسلامی نیازمند حمایت نظری است که از این طریق قابل دستیابی است. در مقاله «ضرورت حفظ نظام و منع اختلال در آن در فقه امامیه»، باقی‌زاده و امیری‌فر (۱۳۹۳ ش.) بر اساس آیات و روایات و حکم قطعی عقل اشاره داشته است که یکی از ضروریات مسلم و واجبات مهم در اسلام حفظ نظام جامعه و زندگی مردم است. در این مقاله اشاره شده که فقها به صورت مستقل درباره این مسأله بحث نکرده‌اند، اما از سخنان آنان در موارد گوناگون به دست می‌آید که وجوب حفظ نظام جامعه، از مسلمات فقه است و واجب است و برهم‌زدن و اختلال در آن ممنوع و حرام است. الهام و موسوی (۱۳۹۱ ش.) نیز در مقاله «وجوب حفظ نظام از نظر امام خمینی (ره)»، به مبحث امانت بودن نظام اسلامی در عصر غیبت اشاره می‌کنند که نیازمند نگهداری و حراست است و به همین دلیل نیز حمایت از نظام اسلامی به مثابه یکی از واجبات در نظر گرفته می‌شود. پژوهشی توسط جعفرپیشه (۱۳۸۹ ش.) به بررسی «حق ترمذ و وجوب حفظ نظام از منظر اهل بیت و اهل سنت» پرداخته است و چنین نتیجه گرفته است که حق ترمذ در برابر نظام

سیاسی صددرصد مورد انکار نیست و در برابر نظام سیاسی نامشروع می‌توان سرپیچی نمود، در نهایت اینکه در مقاله «قاعده حفظ نظام و معنای فقهی» آن نگاشته رحیمی نوبهار (۱۳۸۸ ش.) نویسنده به جنبه‌های اجتماعی دین اسلام اشاره کرده و مروری بر آموزه‌های قرآنی و روایی و سنت پیامبر (ص) و امامان (ع) داشته و با اشاره به اهتمام اسلام به حفظ نوع انسان‌ها، جامعه و حفظ نظم اجتماعی را از اهمیت بالایی برخوردار می‌داند و مطلوب شارع مقدس استمرار حیات انسان‌ها در جامعه‌ای منظم و برای رسیدن به سعادت دو جهان می‌باشد. در کتب اندیشمندان اهل سنت، از جمله در اثر محمد عبدالجباری با عنوان «عقل سیاسی در اسلام» معیارهای فقه سیاسی اهل سنت را مبتنی بر قبیل و غنیمت می‌داند و حتی شیعیان را نسبت به سیاست‌ورزی و اداره جامعه در مرتبه پایین‌تری از اهل سنت قرار می‌دهد. حسن حنفی نیز در کتاب خود با عنوان «علم غرب‌شناسی» (۱۳۹۰ ش.) رویکرد خلفای اهل سنت نسبت به حفظ نظام را مربوط به دوره‌ای می‌داند که جامعه اسلامی از هرج و مرج رنج می‌برد و امروزه نیازمند صیانت بر مبنای دیدگاه نو و ایجاد وحدتی ضد امپریالیستی در میان کشورهای اسلامی است. در کتاب محمد ارکون (۱۳۸۸ ش.) با عنوان «سکولاریسم و دین» نیز به مباحث تاریخی اهل سنت نسبت به مسأله خلافت و تحولات آن در دوره‌های مختلف تاریخی پرداخته است. نویسنده مبحث اقتدارگرایی و حراست از نظام سیاسی با قوه شمشیر و تغلب را بخشی از دیدگاه اهل سنت تلقی می‌کند.

۵-۲. نوآوری تحقیق

پژوهش‌های ذکرشده از جهات مختلفی نسبت به بررسی موضوع حفظ نظام، اصول و مبانی حمایت و حفظ نظام اسلامی در نزد اهل سنت و اهل تشیع پرداخته‌اند، اما رویکرد متمایز پژوهش حاضر با در نظر داشتن برخی شباهت‌های نظری، به موضوع صیانت از نظام اسلامی از دیدگاه مذاهب خمس می‌پردازد و پشتوانه نظری و فقهی مطرح‌شده در این باره را به بحث می‌گذارد.

۵-۳. اهمیت و ضرورت تحقیق

مهم‌ترین ضرورت پژوهش حاضر، فراهم‌آوردن مبانی نظری مستحکمی برای دلایل طرح مباحثی نظیر حفظ نظام، صیانت از نظام و قوانین حاکم بر این مقوله است. این ضرورت از آنجایی احساس می‌شود که در برخی از مباحث نظری به طور ناخواسته و یا عامدانه اختلاطی میان دیدگاه‌های اهل سنت و شیعه درباره چگونگی حفظ نظام اسلامی و صیانت از آن مطرح می‌شود که نیازمند تفکیک و طرح ادله مرتبط با این دیدگاه‌ها است.

۵-۴. محدودیت‌های تحقیق

مهم‌ترین محدودیت‌های پیش روی نویسندگان عدم دسترسی به منابع دست اول بنیانگذاران فقه اهل سنت بوده است. با این حال نویسندگان برای رفع این نقیصه از آرای ابن حنبل به عنوان یکی از چهار بنیانگذار فقه اهل سنت بهره برده است، هرچند در بخش‌های مختلف مقاله از دیدگاه‌های اشعری، غزالی و حتی نواندیشان اهل سنت در جوامع عربی نیز استفاده کرده است.

۵-۵. صیانت از نظام اسلامی در فقه سیاسی شیعه

راهکار اساسی برای حفظ نظام اسلامی، برقراربودن نظام ارزشی در جامعه و پایداری افراد و حتی نخبگان و مدیران سیاسی نسبت به آن ارزش‌هاست. بر همین اساس، در وهله اول برای صیانت از نظام اسلامی، از راهکارهای اقتاعی نظیر امر به معروف و نهی از منکر بهره برده می‌شود. این عوامل میان عموم مردم و نظام سیاسی مشترک هستند که در صورت عدم توجه عموم مردم، نیازمند مداخله ارکان حکومت است. به عبارتی دیگر، در جامعه اسلامی، هر فردی باید طالب نیکی‌ها و مخالف بدی‌ها باشد و هر جا ترک معروف یا انجام منکری ببیند، باید مرتکب آن را با بیان مناسب و مواعظ توأم با احترام از کار خود باز دارد؛ همان‌گونه که قرآن می‌فرماید: «شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اند» (۱). چه اینکه امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید، ولی گاه برای برچیدن منکرات و انجام وظایف ضروری، توصیه‌های لفظی

کارساز نیست و احتیاج به اقدامات عملی دارد، مانند بستن مراکز فساد، دستگیرکردن فاسدان و تبهکاران و تحویل‌دادن آن‌ها به مراکز قضایی که دخالت عموم مردم در آن مفسد زیادی دارد و تنها باید به دست عمال حکومت انجام شود. به همین دلیل است که در قرآن کریم بیان شده است: «باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند» (۱). بر مبنای آیه شریفه اخیر، فرایند امر به معروف و نهی از منکر در صورتی که نیازمند استفاده از ابزارهای مؤثرتر و کارآمدتری باشد، نیازمند مداخله حکومت است. به عنوان مثال وقتی که فردی بخواهد مردم را با پس راندن و یا مجروح کردن و یا کشتن، از انجام عملی بازدارد، به تنهایی نمی‌تواند و این کار تنها با اذن و مداخله حکومت جایز است (۲)، ضمن اینکه برای صیانت از نظام اسلامی که در واقع هدفی جز اجرای احکام شریعت ندارد، کسب جواز از سوی حکومت اسلامی و یا حاکم عادل امری جایز است. در واقع جوازی که برای مداخله ارکان نظام اسلامی برای حفظ آن صورت می‌گیرد، به دنبال هدف والاتری است که به طور مشخص، اجرای احکام اسلامی را در نظر دارد.

محقق حلی نیز بر همین باور است که در صورت تهدید ارزش‌های جامعه و به تبع آن تهدید ارزش‌های نظام اسلامی، اذن حاکم برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر، درست‌تر و صحیح‌تر است (۳). به عبارت دیگر، در صورتی که امر به معروف و نهی از منکر در ارکان مختلف جامعه ساری و جاری باشد، فرایند اصلاح جامعه به صورت آرام و به دور از راهکارهای کیفری و مجازات شکل می‌گیرد، اما در صورتی که این رویکرد در میان رابطه مردم با یکدیگر و رابطه آنان به نظام سیاسی بهبود نیابد، مداخله نظام سیاسی برای صیانت از ارزش‌های اسلامی ضرورت پیدا می‌کند. مقصود از صیانت در این باره، حفظ نظام ارزشی جامعه و جلوگیری از بروز مفسده در آن است و به طریق اولی، نظامی را شامل می‌شود که بر مبنای اصل عدالت و توسط حاکم عادل اسلامی اداره می‌گردد. بدین ترتیب حفظ نظام اسلامی و صیانت از آن از جمله دغدغه‌های اساسی فقه سیاسی امامیه را تشکیل می‌دهد. در فقه سیاسی شیعه و در نزد شناخته‌شده‌ترین آنان، یعنی امام

خمینی (ره)، چنین مطرح شده است که حفظ و صیانت از نظام اسلامی یک امر واجبی است که به همین دلیل حفظ نظام جمهوری اسلامی لازمه حفظ اسلام تلقی شده است (۴). به این دلیل که برای ترویج شعائر و ارزش‌های دینی نیازمند تشکیل دولت و حمایت از آن در برابر تهدیدات داخلی و خارجی هستیم. برای مقابله با این تهدیدات هم در سطح نظری و هم در سطح عملی، راهکارهای متفاوتی بیان شده است و هر یک از اندیشمندان اسلامی با توجه به شرایط و اهداف نظام اسلامی، صیانت از نظام اسلامی را به روش‌های مختلفی بیان نمودند.

قبل از هر چیز، صیانت از نظام اسلامی در فقه شیعه مبتنی بر اخلاق و نفی این رویکرد است که هدف، وسیله را توجیه می‌کند. همچنانکه امام خمینی (ره) بیان می‌دارند: «برای دستیابی به مقصد ولو که اسلامی باشد، ارتکاب عمل خلاف اخلاق و فرهنگ مطرود و از انگیزه‌های غیر اسلامی است» (۵). مشروط‌بودن وسایل اخلاقی برای دفاع از هدف اصلی (صیانت از نظام اسلامی) علاوه بر اینکه نقش اخلاق در مناسبات اجتماعی و سیاسی اسلامی را نشان می‌دهد، حاکی از اهمیت عادلانه‌بودن نظام سیاسی در فقه امامیه است که در غیر این صورت، شرایط لازم برای همکاری و صیانت از آن وجود ندارد. با این اوصاف در مرحله تثبیت و تداوم نظام سیاسی اسلامی، راه‌های متعددی برای صیانت از آن وجود دارد که از نقش مردم در صیانت از نظام اسلامی تا بهره‌گیری از قواعد و احکام فقهی را دربر می‌گیرد.

صیانت از نظام اسلامی در فقه شیعه از راه مقدم دانستن حفظ نظام بر سایر واجبات نیز دنبال می‌شود. طرفداران این رویکرد بر این باور هستند که حکومت اسلامی که شعبه‌ای از ولایت مطلق رسول‌الله (ص) است، از جمله احکام اولیه اسلام به شمار می‌رود که بر تمام احکام فرعی، حتی نماز و روزه نیز مقدم است (۵)، بدین ترتیب یک راه اساسی برای صیانت از نظام اسلامی، کارکردی است که تشکیل و تداوم نظام حاصل می‌شود و از این جهت مقدم‌بودن آن بر سایر احکام قابل دفاع است. در این رویکرد، صیانت از نظام اسلامی به معنای صیانت

از کلیت نظام و استحکام بخشی به مسیری است که می‌تواند احکام اسلامی را برقرار سازد.

بنا بر دیدگاهی که امام خمینی (ره) ارائه نموده‌اند وجوب حفظ نظام اسلامی از احکام اولیه است و دارای چنان مصلحتی قوی است که مقدم بر سایر احکام شرعی است. بنابراین در صورتی که میان مصلحت نظام اسلامی و سایر مصالح تزاخم باشد، هرچند که هیچ یک از عناوین ثانویه موجود نباشد، مصلحت نظام مقدم شده و حکم دیگر موقتاً تعطیل می‌گردد. حکمی که فقیه در این مورد صادر می‌کند، حکم حکومتی است و بر مبنای مصلحت جامعه اسلامی مصلحت اسلام و مسلمین شکل می‌گیرد. امام خمینی (ره) پس از آنکه محدودبودن اختیارات ولی فقیه به احکام شرعی را رد می‌کند، از اختیارات گسترده دولت اسلامی سخن می‌گوید و تصریح می‌کند که هیچ یک از این اختیارات در چارچوب احکام فرعی نیست و صرفاً به لحاظ تقدم مصلحت نظام بر سایر احکام در حال اجراست.

صیانت از نظام اسلامی از مسیرهای متعددی امکان‌پذیر است. به عنوان مثال وقتی گفته می‌شود که حاکم اسلامی می‌تواند برای حفظ حقوق مردم و برقراری نظم و امنیت، حکم به تعطیلی برخی احکام و برقراردن برخی از آنان را بدهد، مقصود هموارکردن مسیر برای حفظ مصالح جامعه است. این رویکرد در قاعده فقهی اهم و مهم دنبال می‌شود. هنگامی که حکومت اسلامی در شرایط عادی، محدودیتی برای مالکیت اشخاص قائل نمی‌شود، اما تنها به دلیل حفظ حکومت مجبور به این کار شود (۶). تأکید بر حفظ نظام اسلامی در این رویکرد، به معنای حفظ شریعت و آموزه‌های دینی و حراست از حقوق عامه مردم در راستای خیر و صلاح دنیوی و اخروی است. بنابراین صیانت از نظام اسلامی با پذیرش تشخیص و مصلحت از سوی حاکم اسلامی در موضوعات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی میسر می‌شود. امام خمینی نیز بر همین مبنای، مسأله حفظ نظام جمهوری اسلامی به عنوان نظام اسلامی را به حفظ اصل اسلام و حیات مسلمین پیوند می‌زند. از نظر ایشان، مسأله حفظ نظام در این دوره با وضعی که در دنیا دیده می‌شود و با سمت‌گیری‌هایی که از چپ و راست و

دور و نزدیک نسبت به این مولود شریف وارد می‌شود، از اهم واجبات شرعی و عقلی است که هیچ چیز بدان مزاحمتی ندارد و از جمله اموری است که احتمال خلل در آن از نظر عقلی منجز است (۵).

در سیاست اسلامی که مورد حمایت فقه امامیه است و در مرحله تأسیس و تداوم نظام اسلامی نیز به عنوان یک اصل پذیرفته شده است، پیوستگی دین و سیاست و عدم جدایی آنان از یکدیگر امری لازم و ضروری است. به عبارتی دیگر، صیانت از نظام اسلامی مستلزم یکپارچگی دین و سیاست و عدم جدایی آنان از یکدیگر است. بنابراین راه صیانت از نظام اسلامی، مقابله با این تفکر «جدایی دین از سیاست» است که به معنای جدایی زندگی اجتماعی از دستورات دینی است (۷). در این رویکرد دین حتی به عنوان یک موضوع اجتماعی محل بحث است که هیچ یک حق دخالت در دیگری را ندارد و نگاه به زندگی بشری بر مبنای نگاه دنیوی است (۷).

صیانت از نظام اسلامی با بهره‌گیری از قوانین کیفری و تعیین مجازات برای فرد مجرم نیز مورد توجه قرار گرفته است. توضیح اینکه یکی از قواعد بسیار مهم در بدنه فقه، قاعده «حرمت اختلال نظام» است (۸) که عنوان دیگر آن همان «وجوب حفظ نظام» است. صیانت از نظام اسلامی که حاکم عادل در رأس آن نشسته است، امری ضروری است که به معنای صیانت از احکام اسلامی در همه زمان‌ها می‌باشد. مقصود از صیانت در فقه سیاسی شیعه، حمایت و دفاع از هر دولت و نظام سیاسی نیست، بلکه ناظر بر حاکم عادل و دولتی است که احکام و قواعد شریعت را رعایت نموده و هدف خود را برای برقراری عدالت در جامعه قرار می‌دهد. با در نظر داشتن این موارد، صیانت از نظام اسلامی هم نیازمند راهکارهای اقناعی و ترغیبی و بهره‌گیری از قوانین کیفری و مجازات تهدیدکنندگان نظام اسلامی است. بر مبنای قوانین کیفری، قاعده حرمت اختلال نظام، اصلی کاربردی و کیفری است. این قاعده با استناد به دلیل عقلی (۹)، به این معناست که هرچه موجب بروز اختلال در مجموعه نظام شود، حرام خواهد بود و مقابل حفظ و صیانت از نظام نیز واجب می‌باشد. اهمیت قاعده حفظ نظام در نزد علمای شیعه و فقه امامیه آنقدر بالاست که

نمی‌توان آن را مختص به یک حکومت و یا یک نظام خاص دانست، بلکه هر مجموعه‌ای - خرد یا کلان، دینی یا غیر دینی - برای خود این حق را قائل است تا با هرچه که موجودیت او را - در هر حوزه‌ای که باشد، از امور اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و یا دیگر اموری که مربوط به مسائل ملی و بین‌المللی می‌شوند - به خطر می‌اندازد مقابله کند تا این‌گونه از مجموعه خود صیانت نماید، بدین ترتیب اسلام و نظام اسلامی نیز به عنوان یک مجموعه نظام‌مند از این قانون عقلی (۸)، نیز مستثنی نیست و در راس همه امور، حفظ و صیانت از نظام را سرلوحه اعمال حکومتی خود قرار داده است.

علاوه بر موارد فوق، در نزد برخی از علمای شیعه، جهاد یکی از راه‌های عملی حفظ و صیانت از نظام اسلامی است که در شرایط بروز جنگ، پیروی از دستورات امام جامعه را واجب و ضروری می‌سازد. از نظر شیخ طوسی، اگر عمل فرد به دشمن ضربه بزند، پاداشی ندارد، اما اگر ضربه هم وارد نسازد، گناهکار محسوب می‌شود، جز اینکه برای نظام اسلامی تهدیدی داشته که در این شرایط، جهاد و دفاع، حتی اگر زیر پرچم امام جائز صورت گیرد، واجب می‌شود (۱۰). شیخ طوسی با اهمیت قائل شدن به حفظ نظام، حتی همکاری با سلطان جور را به شرط اینکه در راستای حفظ نظام اسلامی و دفع تهدیدات از اسلام باشد، می‌پذیرد. در این صورت، حمایت از حاکم جائز توسط مسلمانان واجب است. دیدگاه شیخ طوسی در زمینه صیانت از نظام اسلامی بدین ترتیب است که حتی ممکن است نیازمند اتخاذ قوانین کیفری و اجرای آنان در جامعه باشد. کسانی که به انحراف مختلف باعث برهم‌زدن نظام اجتماعی و جلوگیری از تحقق عدالت در جامعه می‌شوند، نیازمند اتخاذ تصمیمات کیفری از سوی حاکم اسلامی در قبال آنان است. به تعبیر شیخ طوسی: «بر سلطان واجب است که آنان [مخالفان برقراری عدالت] را مجازات نموده تا این مجازات به گوش همه مردم برسد و دیگران از تکرار این رفتارها پرهیز نمایند» (۲). راه دیگری که برای صیانت از نظام اسلامی مطرح شده است، جواز جهاد با طاغیان و شورشگران علیه حکومت اسلامی و حاکم عادل است. بنابراین هرکسی بر علیه امام شورش نماید و بیعت با حاکم را شکسته و یا با دستورات او مخالفت کند، باغی

أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (۱).

از نظر برخی از فقها، آوردن عبارت «وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا» بعد از ذکر محاربه با خدا و رسول خدا (ص)، نشانگر اهمیت برقراری نظم در جامعه می‌باشد که از جمله وظایف دولت اسلامی است، نه مطلق محاربه با مسلمانان. بنابراین از ظاهر آیه برمی‌آید که مراد از محاربه و افساد، اخلال به امنیت عمومی است (۱۲). در رویه، صیانت از نظام اسلامی به نوبه خود باعث صیانت از امنیت و حقوق عمومی می‌گردد. بنابراین راه مقابله با این تهدیدات و صیانت از نظام اسلامی آن است که قوانینی برای مقابله با آنان و حمایت از نظام اسلامی تدوین شود. اینکه در این آیه شریفه، محاربه و ستیز با بندگان خدا از طریق اخلال به امنیت عمومی، محاربه با خدا معرفی شده، به دلیل اهتمام فوق‌العاده شرع اسلام به حق الناس و حمایت از امنیت آنان برای داشتن زندگی آرام و همراه با آسایش است (۱۳)، بدین ترتیب تدوین قوانین و مقررات برای مقابله با کسانی که به انحای مختلف، موجودیت نظام اسلامی و حقوق عمومی را مورد تعرض و تعدی قرار می‌دهند، امری لازم و حتمی است.

باز در عرصه داخلی می‌توان به این مسأله اشاره نمود که مشاهده عمل حاکم در جامعه اسلامی بر مبنای عدالت و تجاوز نکردن از حدود شرعی، راه دیگری است که برای صیانت از نظام اسلامی در نظر گرفته شده است. شیخ مفید در این باره به صفت عمل بر مبنای حدود شرعی اشاره می‌کند و بر این عقیده است که حتی اقامه حدود بر فقیه‌ای که حاکم ظالم او را برای این کار و یا برای حکمرانی گروهی از مردم منصوب کرده است، از جمله واجبات عینی است. هرگاه او درخواست کمک نمود، بر برادر مؤمنش واجب است که او را یاری دهد تا هنگامی که نسبت به یکی از حدود الهی تجاوز نکرده باشد (۱۴).

۵-۶. صیانت از نظام اسلامی در نزد اهل سنت

نظام سیاسی اهل سنت به دلیل عدم پذیرش معصومیت امامان و همچنین تکیه بر سنت خلفای راشدین، مسیر

است. بر همین مبنا، امام می‌تواند بر علیه او به مبارزه و جهاد برخیزد (۲). در فقه شیعه، اصطلاح «باغی» نیز ناظر بر افرادی است که به دلایل مختلف بر علیه حاکم عادل شورش می‌کنند و مجازات خاصی نیز برای آنان در نظر گرفته شده است که از بحث مقاله حاضر خارج است.

صیانت از نظام اسلامی از نظر فقهای شیعه از طریق جنگ و حمله به دیگر بلادها قابل پذیرش نیست. آنچه در زمینه صیانت از نظام اسلامی قابل طرح است، حراست از مرزهای سرزمین اسلامی و به تعبیری حفظ بیضه اسلام از خطرات و تهدیدهاست. حضرت امام خمینی بر این عقیده است که اگر دشمن به شهرهای مسلمانان و یا مرزهای آنان حمله کند و بیضه (اصل) اسلامی مورد تهدید واقع شود، بر مسلمانان لازم است که با هر وسیله‌ای از مال و جانشان دفاع کنند (۱۰). پیش‌تر نیز از جهاد به عنوان یکی از وسایل مهم برای صیانت از نظام اسلامی دفاع شده بود، از جمله اینکه صاحب جواهر در این باره بیان کرده است: هرگاه کفار درصدد باشند، اسلام و دین پیامبر (ص) را به فراموشی بسپارند، اشکالی در جهاد حتی با پیروی از پیشوای ستمگر وجود ندارد، ولی هدف اصلی باید قصد دفاع از اسلام باشد، نه اینکه یاری و کمک به حاکم ظالم (۱۱). بنابراین آنچه صیانت از نظام اسلامی را قابل توجیه می‌کند، دفاع از اصل اسلام است، زیرا اسلام دینی سیاسی است و بدون حمایت و صیانت از نظام سیاسی اسلامی، احکام اسلامی قابلیت اجرایی شدن ندارند.

در عرصه داخلی نیز تهدیداتی وجود دارند که مقابله با آنان به منزله صیانت از نظام اسلامی تلقی می‌شود. مقابله با مفسدان و اخلاک‌گران در نظام اسلامی راه دیگری برای صیانت از آن در نزد فقهای شیعه است. استناد فقهای شیعه به برخی از آیات و روایات است که مجازات‌هایی را برای این افراد و در راستای صیانت از نظام اسلامی در نظر گرفته‌اند. خداوند در برخی از آیات برای اخلاک‌گران در نظام مجازات‌هایی در نظر گرفته است که نشان از شدت اهتمام شارع مقدس در امر حفظ نظام و منع اختلال در آن دارد، از جمله این آیه است که می‌فرماید: «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ

متفاوتی برای صیانت از نظام سیاسی اسلامی در پیش گرفته است که سازگاری بیشتری با واقع‌گرایی سیاسی دارد (۱۵)، بدین ترتیب فقه سیاسی اهل سنت، بیش از هر چیز مبتنی بر زور و اقتدار است و به تعبیری برای صیانت از نظام اسلامی، واقع‌گرایی سیاسی را در پیش می‌گیرد. این موضوع که فقه سیاسی اهل سنت مبتنی بر نوعی اقتدارگرایی است، مورد توجه برخی نواندیشان عرب که از قضا منتقد فقه اهل سنت هستند، قرار گرفته است. عابدالجابری بر این عقیده است که در فقه سیاسی اهل سنت با یک اصل اساسی رو به رو می‌شویم و آن هم این است که هر کس از زور و اقتدار بیشتری برخوردار باشد، اطاعت از وی واجب‌تر است (۱۶). این مسأله با بررسی فقه سیاسی اهل سنت و علمای شناخته‌شده آن، قابل مشاهده است. اهل سنت، با گسترش اندیشه اقتدارگرایانه، بر حضور عریان و استیلایی قدرت تأکید می‌کنند و توده‌های مردمی را به اطاعت بدون چشم‌داشت و پرسش از حاکمان وادار می‌کند. استناد به روایتی از رسول گرامی اسلام (ص) که از ابوهیره نقل شده است، خبر از آمدن حاکمان نیک و فاجر در تاریخ و آینده اسلام می‌دهد که اطاعت از آنان، وظیفه شرعی مسلمانان است (۱۷). پیوند حاکم «نیک و فاجر» در نزد اهل سنت به معنای پذیرش اقتدار مطلق حاکم و پذیرش آن از سوی مردم است، همچنانکه اعمال فاجر حاکم نیز به مثابه نیک و خیر انگاشته می‌شوند.

صیانت از نظام اسلامی در نزد علمای اهل سنت، پیوند گسترده‌ای با زور و تغلب دارد، زیرا بر این هستند که راهکار مقابله با تهدیدات و صیانت از نظام اسلامی، برداشتن موانعی است که به نحو ممکن جلوی اقتدار مطلق حاکم را می‌گیرد. بر این اساس، احمد بن حنبل رئیس مذهب حنبلی نیز چنین نظری داشت. از نظر وی، کسی که با شمشیر غلبه کرد و خلیفه شد، بر احدی از مؤمنان جایز نیست که او را امام خود نداند (۱۸). صیانت از نظام اسلامی در این دیدگاه، تنها از راه اطاعت و سرسپردگی از حاکمی است که حتی با زور و تغلب، قدرت را به دست گرفته است. وی در پاسخ به سؤالی در این باره چنین بیان کرد: «کسی که به هر جهت از جمله رضایت و یا غلبه به عنوان امام مسلمانان انتخاب شد و به خلافت او اقرار

کرده و گرد او جمع شده‌اند، عصیان کنند، عملش شبیه شکستن عصای مسلمانان و مخالفت با رسول گرامی اسلام (ص) است. چنین شخصی اگر در این حالت بمیرد به مرگ جاهلی مرده است. جنگ و خروج علیه سلطان برای فردی از مسلمانان جایز نیست و اگر کسی اقدام به چنین عملی نماید، عملش بدعت محسوب شده که به مثابه این است که بر غیر سنت و طریق مسلمانی قدم برداشته است. سرسپردن و اطاعت از ائمه و امیر مؤمنان، برای فاجر، ضروری است. همچنین اطاعت از کسی که از طریق گردآمدن و پذیرش مردم و یا از طریق زور و غلبه خلافت را به دست گرفته و امیرالمؤمنین خوانده می‌شود، واجب و ضروری است» (۱۹).

راه دیگری که برای صیانت از نظام اسلامی در نزد علمای اهل سنت دیده می‌شود، اعطای اختیار به حاکم ذی‌شوکت است که بیش از پیش در آرای غزالی مورد توجه قرار گرفته است. غزالی در این باره اظهار می‌دارد که اکنون، زمانه سلاطین ذی‌قدرت و ذی‌شوکت است و مقصود از اختیار و انتخاب حاکم در متون اسلامی و سایر منابع، نه انتخاب سلطان، بلکه بیعت با شخص سلطان ذی‌شوکت است. به عقیده غزالی، اصرار بر شروط حاکم اسلامی [عدالت]، در عصر حاکم‌بودن سلاطین زورمدار باعث ابطال ولایت و در نتیجه زائل‌شدن مصالح سیاسی، از جمله نظم در جامعه اسلامی می‌شود. به این دلیل که در شرایط فعلی، ولایت بر مدار شوکت و غلبه می‌چرخد و هر کس که صاحب قدرت و شوکت است، می‌بایست با وی بیعت شود. در این شرایط، ولایت وی مشروع است (۲۰). بنابراین در نزد علمای اهل سنت، اگر شرایط واقعی جامعه به نحوی باشد که نیازمند جلوگیری از هرج و مرج و دفع فتنه دشمن باشد، صیانت از نظام اسلامی با توجه به عملکرد واقعی حاکم، یعنی بهره‌مندی از قوه قهریه امکان‌پذیر است.

علاوه بر این، برخی دیگر از علمای اهل سنت، از جمله ابوالحسن اشعری، با متصل‌نمودن نظام اسلامی به حاکمیت خداوندی، صبغه الهی به حکومت می‌بخشند، اما با این تفاوت که حتی ملاک‌های عقلی برای نظارت و صیانت از نظام اسلامی را نمی‌پذیرند و تنها به اطاعت توده‌های مردم از حاکمان حکم می‌دهند. ابوالحسن اشعری در این باره معتقد

است که اقتدارگرایی برای حفظ نظام واجب است و هرگونه شورش مسلحانه بر علیه حاکم مسلمین قابل پذیرش نیست (۲۱). این حکم در حقیقت ناشی از نگرشی است که میان حاکم و توده مردم، دیواری بلند می‌بیند که حاکم بر فراز آن نشسته است و می‌بایست از حریم خلیفه به هر شیوه ممکن دفاع شود. در این نگرش استدلال می‌شود که خداوند حق دارد که برخی آدمیان را تحت سلطه دیگران قرار دهد و از میان انسان‌ها، تنها برخی را که خود می‌خواهد، ملامت و سرزنش می‌کند. بنابراین بر اساس جبر باید گفت که هرگز درباره عدل و ظلم و یا صحت و سقم رفتار سیاسی حاکمان نمی‌تواند از منظر عقلی، داوری کرد. به این دلیل که مشروعیت اعمال حاکمان، نه در ذات فعل آنان، بلکه در اراده و قدرت خداوندی نهفته است و ملاک‌های حسن و قبح انسانی قابل ارزیابی نمی‌باشد (۲۲). این رویکرد در عرصه سیاست و حکومت‌داری، ملاک عقلی برای حسن و قبح اعمال حاکمان را قبول ندارد و یگانه راه برای صیانت از نظام اسلامی را پذیرش بی‌چون و چرای رفتار سیاسی حاکمان از سوی توده‌های مردمی می‌داند. وی به رغم آزادی محدودی که به اراده انسان‌ها نسبت می‌دهد، بیشتر به نظریه جبر در افعال سیاسی معتقد است. اراده و مشیت الهی را، بدون هیچ قید و شرط آن در زندگی سیاسی، مطلق دانسته است، بدین ترتیب اشعری نیز نظری همسو با سایر علمای اهل سنت دارد و با پیوندزدن خصوصیات خلیفه مسلمین با «تغلب و زور»، راه صیانت از نظام اسلامی را از دو جهت قابل توجیه می‌داند. به عقیده اشعری، در جامعه اسلامی هیچ سیاستی نباید وجود داشته باشد، مگر اینکه با شریعت موافق و سازگار باشد. مجریان سیاست نیز کسانی هستند که به دنبال اجرای شریعت در جامعه هستند و ما را به ارج نهادن و بزرگداشتن و دوستی ایشان و بیزاری از هر که از ایشان عیب‌جویی کند، فرمان داده‌اند، خداوند از همگی آنان خشنود باشد (۲۱).

دیدگاه غالب دیگری که در همین زمینه دیده می‌شود، تلقی صیانت از حاکم اسلامی به مثابه «ظل‌الله» است. در این رویکرد، خلیفه نیز قدرت خود را مستقیماً از خداوند می‌گیرد. این همان موضوعی است که در زمینه صیانت از نظام اسلامی

در نزد علمای اهل سنت رواج دارد و حتی هستی نظام اسلامی را با هستی حاکم اسلامی پیوند زدند. در این دیدگاه، خلیفه ظل‌الله است و حتی در دوره خلفای عباسی، منصور، خلیفه دوم را این‌گونه حمایت می‌کردند که وی نماینده خدا در روی زمین است. این دیدگاه پس از قرن پنجم قمری تشدید شد و در اکثر تألیفات علمای این دوره، ملوک و سلاطین با اوصاف فوق بشری و مستظهر به تأییدات الهی توصیف شده‌اند (۲۳). ماوردی یکی از مشهورترین اندیشمندان اهل سنت بر این باور است که برای صیانت از نظام سیاسی خلافت نیازمند سازوکارهای مقتدرانه‌ای هستیم. بنابراین سازوکار صیانت از نظام، گسترش اقتدار حاکم و اطاعت از وی است. به تعبیر ماوردی، انقیاد، اطاعت و امتثال امر و نهی بدون هیچ‌گونه اعتراض (۱۷)، بدین ترتیب در نظام سیاسی اهل سنت، راهکار غالبی که برای صیانت از نظام اسلامی مطرح شده است، اقتدارگرایی حاکم و افزایش روحیه تغلب است، زیرا یکی از اهداف اساسی نظام سیاسی در نزد اهل سنت، ضرورت منع تظالم، فصل خصومت‌ها و تنازعات و همچنین ضرورت دفع هرج و مرج و جلوگیری از تشتت است (۱۷).

راهکار دیگری که برای صیانت از نظام اسلامی در نزد فقهای اهل سنت مطرح شده است، دفاع از منافع عمومی و پیوندزدن سیاست شرعی با مصلحت عموم است. در این صورت، قدسی‌شدن حکومت، ابزاری برای دفاع از آن را فراهم می‌آورد. چنانچه غزالی نیز بر این باور است که مصلحتی باشد که نفع آن به همه مسلمانان برسد، نه فقط منافع شخصی خاص یا عده مخصوصی را تأمین کند (۲۴). این مصلحت بیش از همه ناظر بر ضرورت دفاع از حکومت است که حافظ جان، مال، نفس و عقل انسان است. بنابراین راهکار ارائه‌شده در این زمینه، توجیه حفظ مصالح جامعه توسط حکومت است که نیازمند حمایت از آن هستیم. مدافعان نظام سیاسی اهل سنت بر این باور هستند که تغلب و اقتدار حاکم و پذیرش مطلق آن از سوی مردم تضمینی برای صیانت از نظام اسلامی است.

۶. نتیجه‌گیری

بررسی اندیشه سیاسی فقهای اهل سنت (مذاهب چهارگانه) و فقه امامیه (شیعه دوازده امامی) نشان‌دهنده آن است که دو گروه درباره ضرورت تشکیل حکومت و تداوم آن اتفاق نظر دارند. از نظر آنان، بدون تشکیل حکومت و بدون دستگاه اجرا و اداره که همه جریانات و فعالیت‌های افراد را از طریق اجرای احکام، تحت نظام عادلانه در آورد، هرج و مرج به وجود می‌آید و فساد اجتماعی و اعتقادی و اخلاقی پدید می‌آید. پس برای اینکه هرج و مرج و عنان گسیختگی پیش نیاید و جامعه دچار فساد نشود، چاره‌ای نیست جز تشکیل حکومت و انتظام بخشیدن به همه اموری که در بلاد اسلامی جریان می‌یابد.

اندیشه سیاسی فقه امامیه بر محوریت صیانت از نظام سیاسی از طریق قواعد فقهی از جمله حرمت اختلال نظام، مصلحت، رعایت اخلاق بر مصالح فردی، جهاد و همچنین مقابله با تهدیدات داخلی از جمله مبارزه با مفسدین بنا شده است. استدلال فقهای شیعه بر این است که تداوم نظام سیاسی، مهم‌ترین و اصلی‌ترین راه برای اجرای احکام اسلامی و پیاده‌کردن آنان است. بنابراین فقدان نظام سیاسی به منزله تعطیلی احکام اسلام است. با این حال، اندیشه سیاسی شیعه با تأکید بر عدالت و رعایت اخلاق، مصلحت و قاعده نفی اخلاق نظام را برای دستیابی عموم مردم به حقوق مادی و معنوی‌شان در نظر گرفته است و به دنبال سعادت دنیوی و اخروی آنان است، ضمن اینکه در مقوله صیانت از نظام اسلامی جایی برای اندیشه‌های سکولار و جداسدن دین از سیاست وجود ندارد. بنابراین در صورتی که میان مصلحت نظام اسلامی و سایر مصالح تراحم باشد، هرچند که هیچ یک از عناوین ثانویه موجود نباشد، طبق قاعده اهم بر مهم، مصلحت نظام مقدم شده و حکم دیگر موقتاً تعطیل می‌گردد.

اما اندیشه سیاسی اهل سنت بر محوریت اقتدارگرایی، پذیرش سلطنت و تغلب از سوی حاکم مقتدر و حتی جدایی دین از سیاست بنا شده است. جدایی دین از سیاست بدین معنا که در صورت وجود حاکم مقتدر، معیارهای دینی به عنوان اصول صیانت از نظام مطرح نیست. علاوه بر این، علمای اهل سنت بر این باور هستند که حفظ و صیانت از نظام اسلامی به

معنای سرزمینی و دستیابی به اهداف اقتصادی و اجتماعی افراد در جامعه اسلامی است که وظیفه اصلی آنان، پیروی از دستورات حاکم مقتدر است و رعایت اصول و احکام دینی معیاری برای سنجش رفتارهای حاکمان نیست، هرچند دامنه اقتدارگرایی حاکمان در فقه سیاسی اهل سنت، بسیار گسترده‌تر از فقهای شیعه است، اما تأکید بر برقراری نظم و امنیت باعث می‌شود تا بقای حکومت اسلامی در نزد اهل سنت، وجهی اقتدارگرایانه به خود بگیرد.

۷. تقدیر و تشکر

در اینجا لازم است از کسانی که در مراحل مختلف نگارش مقاله از جمله تدوین و نگارش مقاله و اصلاح آن مشارکت و همکاری داشتند، تشکر نمایم.

۸. سهم نویسندگان

نویسندگان مقاله به صورت برابر و با همکاری و مشارکت در گردآوری و تدوین مقاله حاضر نقش داشته‌اند.

۹. تضاد منافع

در مقاله حاضر تضاد منافی وجود ندارد.

References:

1. The Holly Quran. Al-Emran: 104, Al-Emran: 102. (Arabic).
2. Toosi MH. The End in Just Fiqh and Fatwas. Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi Publications; 2000. (Arabic).
3. Mohaghegh Heli N. Sharayeh Al-Islam. Beirut: Alzahra; 1992. (Arabic).
4. Khomeini R. Velayat Faghih. Tehran: Amir Kabir Publications; 1996. (Persian).
5. Khomeini R. Noor Thesis. Tehran: Imam Khomeini Publishing Institute; 1996. (Persian).
6. Mahori MH. System maintenance. *Government Islamic Magazine*. 2000;21(1):3-13. (Persian).
7. Makarem Shirazi N. The way to access the tasks of etymology. Qom: Imam Ali (A) Publications; 2010. (Persian).
8. Seyfi Mazandarani AA. Buildings of effective jurisprudence in the basic jurisprudence rules. Qom: Islamie Publications; 2005. (Persian).
9. Farahi A. An investigation into the rules of jurisprudence. Qom: Jamee Modaresin Publications; 2016. (Persian).
10. Khomeini R. Tahrir Al-Vasileh. Tehran: Imam Khomeini Publishing Institute; 1996. (Arabic).
11. Najafi MH. Jawahir Alkalm. Beirut: Dar Alehya altaras Al-Arabia; 1980. (Arabic).
12. Tabatabaei MH. Shia in Islam. Tehran: Islami; 2001. (Arabic).
13. Makarem Shirazi N. Nemoneh Interperation. Tehran: Imam Ali (A); 1990. (Persian).
14. Morvarid AA. Yanabih Al-Faghihe. Beirut: Eldar Islamic Publications; 1996. (Persian).
15. Ghaderi H. Political Thought in Islam and Iran. Tehran: Samt; 2009. (Persian).
16. Abed Aljaberi M. Arab political mind. Translated by Savari A. Tehran: Gam No Publications; 2004. (Persian).
17. Mavardi AH. Sultan's rulings. Beirut: Dar-Alfekar Publications; 2006. (Arabic).
18. Ibn Hanbal A. Masnad. Beirut: DarSader; 1998. (Arabic).
19. Ali Ahmad AH. The position of the Abbasid caliphs from the four imams of the Sunnis. Duha: Ben Fajah; 1985. (Arabic).
20. Ghazali AA. Revival of religious sciences. Trans by: Kharazmi. M. Tehran: Elmi and Farhangi Publications; 2010. (Persian).
21. Ashari A. Alabneh. Beirut: Daralkotob AIElmieh; 1998. (Arabic).
22. Badwi AR. History of Theological Thoughts in Islam, Translated by Saberi H. Tehran: Quds Razavi Research Foundation Publications; 1996. (Arabic).
23. Abdolrazagh A. Islam and the principles of governance. Translated by Rezaei A. Tehran: Ghasideh Sara Publications; 2001. (Persian).
24. Ghazali AH. Almostasfi. Beirut: Daralkotob AIElmieh; 1996. (Persian).

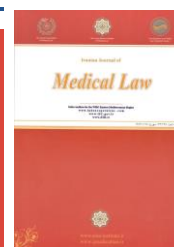


The Iranian Association
of Medical Law

MLJ

Medical Law Journal
2021; Legal Innovation

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



ORIGINAL ARTICLE

How to Protect the Islamic System from the Perspective of Fifth Religions

Mohammadreza Mahdloo Torkamani¹, Hassan Asadi^{2*}, Akbar Ahmadi³

1. Ph.D. Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Varamin-Pishva Branch, Islamic Azad University, Varamin, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Varamin-Pishva Branch, Islamic Azad University, Varamin, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Varamin-Pishva Branch, Islamic Azad University, Varamin, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Received: 9 October 2021

Accepted: 23 January 2022

Published online: 19 February 2022

Keywords:

Protection
Political System
Sunni
Shiites
Fifth Religions

* Corresponding Author:

Hassan Asadi

Address: Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Varamin-Pishva Branch, Islamic Azad University, Varamin, Iran.

Postal Code: 33817-74895

Telephone: 21-36725010

Email: asadihasan171@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: The formation of a political system in Islam is one of the basic ways to implement religious rules and regulations. However, the preservation of the political system is also an important step in this direction, which is pursued in various ways by the five religions of Islam. Due to the position of protection of the Islamic system, the present article seeks to discuss how to protect the Islamic system in the eyes of the Fifth religions.

Materials and Methods: The method used in the present study is comparative, descriptive and analytical and the collection of articles is done by library and documentary methods.

Results: In the political system considered by Imami jurisprudence, the basic principles in protecting the system are followed through jurisprudential rules, i.e. the sanctity of disrupting the system, the rule of expediency, denying the separation of religion from politics, observing moral principles, government rules and the basis of justice, but in the four Sunni jurisprudences, the protection of the political system revolves around coercion and domination and giving authority to the ruling person to govern society.

Ethical considerations: In writing this article, ethical principles such as fidelity in the use of resources, the use of original and scientific resources, as well as accuracy in the use of documentary material have been observed.

Conclusion: The protection of the political system in Shiite jurisprudence is based on the observance of justice, the establishment of religious rule, legitimate jihad, the necessity of maintaining order and also the interest of the general public. But Sunni jurisprudence reinforces non-patriarchal tendencies and seeks to empower the ruler and shape rigid relationships for protection, rather than based on the rights of the masses, their well-being, and the implementation of sharia law. It is from the political system.

© Copyright (2018) Iranian Association of Medical law, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Mahdloo Torkamani MR, Asadi H, Ahmadi A. How to Protect the Islamic System from the Perspective of Fifth Religions. *Medical Law Journal* 2021; Legal Innovation.